

۳-۲-۳
رف ۳

علی - ترویجی

https://na.srbiau.ac.ir/article_14392.html?lang=fa

90% ☆

ENGLISH ورود به سامانه

صفحه اصلی مرور اطلاعات نشریه راهنمای نویسندگان ارسال مقاله داخرازی تماس با ما

شرایط تحقق مسئولیت مدنی دولت ناشی از تخریب زیست‌روم، از منظر آموزه‌های حقوق محیط زیست

نوع مقاله سایر موارد

نویسندگان

مریم عارفی^۱، فاطمه طباطبائی پیردی^۲

^۱ کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد مشهد

^۲ عضو هیات علمی گروه محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

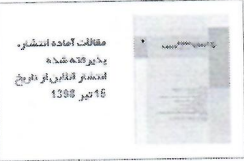
حقوق استفاده از محیط زیست سازه یکی از حقوق بنیادین افراد محسوب می‌شود و نگهداری از آن تکلیف عمومی است. با عنایت به اینکه امروزه در میان تمامی اقداماتی که در راستای حفاظت از محیط زیست انجام شده، تنها اعمال ممنوعت‌اجراهای حقوقی در جهت تعدیل رفتارهای انسانی مستقیم و غیرمستقیم خسارت‌های از حیثی‌های حایر اهمیت بر خوردار است. نگاهی از منظر جنبه‌های حقوقی به محیط زیست به ویژه حقوق مسئولیت مدنی به مثابه رکن رکن ضمانت اجراها ضرورت و اهمیت خاصی به خود گرفته است. از این حیث می‌توان مهمترین دستاورد این پژوهش را گزینش منطقی و حسابگرانه مسئولیت مدنی محض به جای مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر دانست. به ویژه آنکه در مورد تأسیسات صنعتی دولتی و مسئولیت‌های ناشی از عملکرد دولت بعنوان مالک اینگونه تأسیسات، باید گفت حقوق مسئولیت مدنی دولت حقوقی گاهاً مدنی نیست، با این حال، امکان تحقق اجتناب اسباب در فرس مسئولیت مدنی دولت امری غالب است که با توجه به حالات مختلف، نتایج متعددی به خود می‌گیرد. علاوه بر این، باید گفت که از نظر مسئولیت ناشی از ارتکاب عمل زیان‌بار، تفاوتی میان اشخاص حقوق خصوصی و مراجع دولتی وجود ندارد و با توجه به اینکه تنها وجود رابطه علیت بین تقصیر دولت و ضرر وارده برای جبران خسارت وارده توسط دولت کافی است، می‌توان با استناد بر قوانین موجود نیز فصول دولت را معجز دانست.

کلیدواژه‌ها

کلمات کلیدی: ارتکاب فعل زیان‌بار، تخریب، حقوق، محیط زیست، مسئولیت مدنی

موضوعات

حقوق محیط زیست



مقاله آماده انتشار، پذیرفته شده انتشار آنلاین از تاریخ 15 بهمن 1398

XML

گزینه‌های دسترسی

- ارسال به این مقاله
- RIS
- EndNote
- Mendeley
- BiTeX
- APA

اطلاعات مقاله نویسندگان فایل ها

کد مقاله	HE-1701-1459 (R3)
عنوان مقاله	شرایط تحقق مسئولیت مدنی دولت ناشی از تخریب زیست بوم، از منظر آموزه‌های حقوق محیط زیست
نوع مقاله	سایر موارد
بخش نشریه	مقالات داخلی
عنوان کوتاه	مسئولیت مدنی دولت در تخریب زیست بوم
موضوعات	حقوق محیط زیست
چکیده	<p>چکیده</p> <p>حق استفاده از محیط زیست سالم، یکی از حقوق بنیادین افراد محسوب میشود و نگهداری از آن تکلیف عمومی است. با عنایت به اینکه امروزه در میان تمامی اقداماتی که در راستای حفاظت از محیط زیست انجام شده، تنها اعمال ضمانت‌اجراهای حقوقی در جهت تعدیل رفتارهای انسانی مستقیم و غیرمستقیم خسارت‌بار از جایگاهی حایز اهمیت برخوردار است، نگاهی از منظر جنبه‌های حقیقی به محیط زیست به ویژه حقوق مسئولیت مدنی به مثابه رکن رکن ضمانت اجراها، ضرورت و اهمیت خاصی به خود گرفته است. از این حیث می‌توان مهم‌ترین دستاورد این پژوهش را گزینش منطقی و حسابگرانه مسئولیت مدنی محض به جای مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر دانست. به ویژه آنکه در مورد تأسیسات صنعتی دولتی و مسئولیت‌های ناشی از عملکرد دولت بعنوان مالک اینگونه تأسیسات، باید گفت حقوق مسئولیت مدنی دولت، حقوق کاملاً مدنی نیست. با این حال، امکان تحقق اجتماع اسباب در فرض مسئولیت مدنی دولت امری غالب است که با توجه به حالات مختلف، نتایج متعددی به خود می‌گیرد. علاوه بر این، باید گفت که از نظر مسئولیت ناشی از ارتکاب عمل زیان بار، تفاوتی میان اشخاص حقوق خصوصی و مراجع دولتی وجود ندارد و با توجه به اینکه تنها وجود رابطه علیت بین تقصیر دولت و ضرر وارده برای جبران خسارات وارده توسط دولت کافی است، می‌توان با استناد بر قوانین موجود نیز قصور دولت را محرز دانست.</p>
کلیدواژه‌ها	کلمات کلیدی: ارتکاب فعل زیانبار، تخریب، حقوق، محیط زیست، مسئولیت مدنی
عنوان مقاله English /	Realization of government civil liability arising from destruction of the ecosystem, from the perspective of environmental law

چکیده /
English

Abstract

The right to a clean and healthy environment is one of the fundamental rights of individuals and its maintenance is a public duty. Currently, among all protective measures, only legal sanctions are applied to modify human behavior causing damage to the environment. As a result, adopting a natural perspective towards the environment has become a necessity, especially civil liability law which acts as a fundamental pillar of sanction conduction. In this sense, the most important outcome of this research can be the choice of pure civil liability over civil liability based on fault. In particular, in the case of government-owned industrial facilities and government liability arising from the activities of these facilities, the law of government civil liability is not a fully codified law. However, the realization of causes in the government-assumed civil liability is dominant which, according to different scenarios, lead to multiple results. In addition, in terms of liability resulting from harmful acts, there is no difference between persons, whether natural or legal. Since the mere existence of causality between governments' fault and damages and losses is sufficient to justify compensation by the government, a fault can be established based on the existing laws.

Key words: Destroy, Civil liabilities, Committing a harmful act, Environment, Law

کلیدواژه‌ها
English /

1395-11-12 12:15:28

تاریخ
ارسال

1397-12-14 09:05:50

تاریخ
بازنگری

1398-04-15

تاریخ
پذیرش

توضیحات سردبیر

پذیرفته شده برای انتشار

وضعیت

1398-04-15 10:02:55

تاریخ
آخرین
تغییرات

شرایط تحقق مسئولیت مدنی دولت ناشی از تخریب زیست‌بوم، از منظر آموزه‌های حقوق محیط زیست

چکیده

حق استفاده از محیط زیست سالم، یکی از حقوق بنیادین افراد محسوب می‌شود و نگهداری از آن تکلیف عمومی است. با عنایت به اینکه امروزه در میان تمامی اقداماتی که در راستای حفاظت از محیط زیست انجام شده، تنها اعمال ضمانت‌اجراهای حقوقی در جهت تعدیل رفتارهای انسانی مستقیم و غیرمستقیم خسارت‌بار، از جایگاهی حایز اهمیت برخوردار است، نگاهی از منظر جنبه‌های حقیقی به محیط زیست به ویژه حقوق مسئولیت مدنی به مثابه رکنِ رکنین ضمانت‌اجراها، ضرورت و اهمیت خاصی به خود گرفته است. از این حیث می‌توان مهم‌ترین دستاورد این پژوهش را گزینش منطقی و حسابگرانه مسئولیت مدنی محض به جای مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر دانست. به ویژه آنکه در مورد تأسیسات صنعتی دولتی و مسئولیت‌های ناشی از عملکرد دولت بعنوان مالک اینگونه تأسیسات، باید گفت حقوق مسئولیت مدنی دولت، حقوق کاملاً مدنی نیست. با این حال، امکان تحقق اجتماع اسباب در فرض مسئولیت مدنی دولت امری غالب است که با توجه به حالات مختلف، نتایج متعددی به خود می‌گیرد. علاوه بر این، باید گفت که از نظر مسئولیت ناشی از ارتکاب عمل زیان‌بار، تفاوتی میان اشخاص حقوق خصوصی و مراجع دولتی وجود ندارد و با توجه به اینکه تنها وجود رابطه علیت بین تقصیر دولت و ضرر وارده برای جبران خسارات وارده توسط دولت کافی است، می‌توان با استناد بر قوانین موجود نیز قصور دولت را محرز دانست.

کلمات کلیدی؛ ارتکاب فعل زیان‌بار، تخریب، حقوق، محیط زیست، مسئولیت مدنی

در جهان کنونی و هم‌پای صنعتی شدن جوامع، آموزه‌های حقوقی نیز متأثر از این امر، از حالت مستقل و تک قطبی خارج شده و گرایش به سمت تلفیق موضوعات پژوهشی در این شاخه از علم ایجاد شده است. در این راستا، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که زمینه انجام نوشتاری میان رشته‌ای در دو قالب حقوق خصوصی و حقوق محیط زیست را فراهم آورده، موضوع آلودگی ناشی از محیط زیست و بررسی نقش دولت در آن است. پیش از هر چیز، شایان ذکر است که وفق اصل نخست اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲ ناظر بر پیش‌گیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی، «انسان از حقوقی بنیادین برای داشتن آزادی و برابری و شرایط مناسب زندگی در محیط زیستی که به وی اجازه زندگی با حیثیت و سعادت‌مندانه را بدهد، برخوردار است»^۱، بدین‌سان، حق برخورداری از هوای سالم و عاری از آلودگی که آلاینده‌های مخرب محیط‌زیست در زمره مهم‌ترین این قسم آلودگی به حساب می‌آید، جزء حقوق اولیه برای شهروندان تلقی گردیده شده است و از این روی، برای دولت‌ها تعهداتی ایجاد شده که از جمله آنها می‌توان به «تعهد اجتناب از آلوده ساختن غیر قانونی هوا» اشاره کرد (۱ و ۲). بر این اساس، می‌توان گفت؛ نهاد دولت در ایجاد محیط زیست سالم و متولی مبارزه با آلودگی هوا مسئولیت کلی داشته که در صورت معرفی معین از سوی نهاد ذی صلاح در دست‌اندرکاران پدیده آلودگی هوا، می‌توان خواستار خسارات شد(۳). موضوع آلودگی‌های زیست محیطی و جبران ضرر و زیان ناشی از آن تا کنون به صورت مستقل در چارچوب مقررات لازم‌اجرا در نیامده و همواره، همراه و به عنوان موضوعی وابسته به آلودگی‌های حقوق محیط زیست مطرح گردیده است. بدین ترتیب، علاوه بر قابلیت استناد به برخی از مبانی اسناد لازم‌الاجرا و قوانین و مقررات بین‌المللی در دو سطح داخلی و بین‌المللی ناشی از آلاینده‌های زیست محیطی مانند کنوانسیون مداخله دریای آزاد در صورت بروز حوادث آلودگی نفتی ۱۹۶۹، کنوانسیون مدنی خسارات آلودگی نفتی ۱۹۶۹، کنوانسیون صندوق بین‌المللی جبران خسارات آلودگی نفتی ۱۹۷۱ و همچنین کنوانسیون بین‌المللی آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی ۱۹۹۰، تمسک به برخی از قوانین، مقررات و اسناد داخلی و بین‌المللی دیگر فارغ از مسئولیت ناشی از آلاینده‌های نفتی از جمله، منشور جهانی طبیعت ۱۹۸۲، کنوانسیون دانمارک ۱۹۸۲ و اعلامیه ریو ۱۹۹۲ راجع به جلوگیری از آلودگی‌های زیست محیطی، نیز در بعد بین‌المللی و همچنین قانون چگونگی جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ و قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، در حیطه نظام حقوقی داخلی نسبت به این امر، قابل توجه است. علاوه بر این و با توجه به این موضوع که اثبات شیء، نافی ما عده نیست، در تبیین مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی‌های نفتی نیز توسل به مبانی قانون مدنی نیز خالی از لطف نیست. از جنبه حقوقی، آلودگی ناشی از آلاینده‌های نفتی، تحت عناوین ضرر به غیر، اتلاف و تضییع حق حیات و تهدید سلامت و بهداشت عمومی و ده‌ها مورد و مصداق که از قوانین عام و خاص استخراج می‌شود، می‌تواند به عنوان خاستگاه جبران ضرر و زیان از این حیث، مد نظر قرار گیرد (۴ و ۵ و ۶).

¹. Man has the fundamental right to freedom, equality and adequate conditions of life, in an environment of a quality that permits a life of dignity and well-being, and he bears a solemn responsibility to protect and improve the environment for present and future generations.

در مسئولیت مدنی، یکی از دشوارترین مسائل پیدا کردن رابطه سببیت بین خسارت وارد شده و فعل زیان بار است. این دشواری در خسارات زیست محیطی گازی دوچندان می شود. چرا که افزون بر خاصیت «دیرپایی» این نوع خسارت که تشخیص عرفی عامل زیان را دشوار می کند، ممکن است در مواردی تشخیص خود زیان برای بشر دشوار باشد و واقع در بین ارکان سه گانه ی مسئولیت مدنی (زیان؛ فعل زیان بار و رابطه سببیت) دو حلقه ی مفقوده وجود داشته باشد. علاوه بر این موارد ممکن است که عدم وضوح تعابیر و الفاظ، زمینه های سوء استفاده و سوء تعبیر و تفسیر را بیش از هر پرونده ی دیگری ایجاد کند. همچنین در مواردی که آلودگی وصف «پراکنده» و منتشر شونده دارد، نمی توان آثار منفی محیط زیست را به فعل یا ترک فعل عامل معینی منتسب کرد که نتیجه ی تمام موارد گفته شده محقق نشدن مسئولیت ناشی از خسارت است، چرا که در مسئولیت مدنی باید حداقلی از تقصیر و رابطه ی آن تقصیر با خسارت احراز شود. به همین دلیل است که در دستورالعمل کمیسیون اروپا در صورت «امکان» وجود خسارت زیست محیطی؛ مسئولیت بهره بردار محقق شده فرض می شود و همچنین در مواردی که آلودگی ها «وصف پراکنده» دارد، نمی توان به مسئولیت زیست محیطی شخص خاصی استناد کرد.

در حقوق ایران می توان این نکته را ذکر کرد که معیار واحد، مسئولیت تقصیر نیست و در این مورد می توان به مبانی فقهی همچون نظریه «احترام به اموال» اشاره کرد (روایت مشهور پیامبر - حرمة مال المسلم كحرمة دمه). طبق نظریه مذکور «محیط زیست» مذکور در اصل ۵۰ قانون اساسی از دو فرض خارج نیست یا مشمول اموال عمومی مندرج در اصل ۴۵ قانون اساسی است و حکم انفال و ثروت های عمومی را پیدا می کند و یا مشمول اموال خصوصی اصل ۴۷ قرار می گیرد که در هر دو صورت عناصر آن در دسته اموال قرار گرفته و تابع احکام حمایت از اموال است و حمایت اموال در درجه ی نخست به معنی جلوگیری از ایجاد خسارت و در مرحله ی بعد جلوگیری از هدر رفتن آن خسارت است. در مرحله ی اجرا می توان گفت از آنجایی که این نظریه اعم از اتلاف، تسبیب و مسئولیت مطلق است، در صورتی که هیچ یک از اصول خاص بیانگر مسئولیت بهره بردار نبود می توان عمل او را مشمول فرض تقصیر دانست (۷).

در تبیین و تطبیق نظام مسئولیت مدنی بر آلودگی ناشی از تخریب محیط زیست، توجه به چند مورد حایز اهمیت است؛ نخست آنکه قاعده کلی حاکم بر این قسم مسئولیت مدنی با توجه به اهمیت موضوع از حالت فرض مسئولیت ناشی از تقصیر خارج گردیده و گرایش به پذیرش مسئولیت محض در این زمینه ایجاد شده است. این موضوع چندان از مبانی عقلی و منطقی نیز به دور نیست. چراکه با توجه به نوع و ماهیت ضرری که از این حیث در حد کلان واقع می شود، به دلایلی نظیر تعدد گاه نامعلوم اسباب در ورود ضرر، پیچیدگی اثبات رابطه سببیت میان ضرر وارده با ارتکاب فعل زیانبار (آلوده نمودن محیط زیست)، تدریجی بودن ورود ضرر که اغلب به صورت ناآشکار اتفاق می افتد و مسایلی از این دست که جزء لاینفک قواعد مسئولیت مدنی است، توجه کننده موضوع قبول مسئولیت محض در این حوزه خواهد بود.

۲- مفهوم زیست بوم

بنظر می رسد ارائه یک تعریف جامع و مانع از محیط زیست تقریباً غیرممکن باشد. چرا که مفهوم محیط زیست و دامنه شمول آن بسیار گسترده است و تعریفی که بتواند بطور کامل در برگیرنده همه جنبه های آن باشد کاری مشکل است. تمامی محیط پیرامون و اطراف ما و

همه آنچه در اطراف ما بطور مستقیم و غیر مستقیم زندگی ما به آن وابسته است محیط زیست ما را تشکیل می دهند. برخی در تعریف محیط زیست آورده اند: "محیط زیست به تمامی محیطی اطلاق می شود که نسل انسان بطور مستقیم و غیر مستقیم به آن وابسته است و فعالیتهای او در ارتباط با آن قرار دارد" (۸). در تعریف دیگری چنین آمده: "محیط زیست عبارتست از محیطی که فرآیند حیات را فراگرفته و بر هم کنش دارد، محیط زیست از طبیعت، جوامع انسانی و نیز فضاهاهایی که با فکر و به دست انسان ساخته شده اند تشکیل یافته است و کل فضای زیستی کره زمین، یعنی زیستکره را فرا می گیرد (۹).

۳- جرم محیط زیستی

امروزه جامعه جهانی با معضلات جدی محیط زیستی از قبیل تخریب جنگل ها، کویر زایی و اقسام آلودگی ها از قبیل آب، هوا، خاک، صوتی و ... روبروست که این مسائل از حیث قوانین و مقررات موجود به عنوان اعمالی مجرمانه شناخته می شوند که ممکن است به صورت عمدی (آگاهانه) یا تصادفی (سهل انگارانه) بروز نمایند. برخی از این جرایم در سطح ملی و یا فراتر از سطح ملی هستند (۴).

۴-۱- جایگاه و مفهوم جرم محیط زیستی

جرم^۲ محیط زیستی در قلمرو حقوق کیفری تعریف و حقوق کیفری از سه شعبه الف) حقوق جزای اختصاصی ب) حقوق جزای عمومی و ج) آیین دادرسی کیفری تشکیل شده است (۴). جرایم محیط زیستی می تواند به صورت عمدی منجر به نتیجه دلخواه که توأمان هر دو رکن سوء نیت عام مانند (حمل اسلحه و شکار غیر مجاز) و سوء نیت خاص مانند (انجام شکار غیر مجاز) در آن محقق شده باشد در دسته جرایم مقید قرار دارند و یا به صورت عمدی که تنها سوء نیت عام در آن محرز شده باشد در دسته جرایم مطلق هستند. بیشتر جرایم محیط زیستی در حقوق ایران از نوع جرایم عمدی و مطلق هستند (۱۰).

۴- ارکان مسئولیت مدنی دولت ناشی از خسارات زیست محیطی

در ذیل به اختصار، شرایط تحقق مسئولیت در اثر آلودگی زیست محیطی مورد بحث و بررسی قرار می گردد.

۴-۱- خسارت

۴-۱-۱- مفهوم خسارت

واژه «خسارت زیست محیطی»، اولین بار توسط یکی از حقوق دانان فرانسه بکار گرفته شد که بر خسارات با واسطه ناشی از محیط زیست اشاره داشت. دشواری اصلی درباره تعریف خسارت زیست محیطی این است که آیا قربانی چنین خسارتی انسان است یا محیط زیست. یعنی آیا اموال زیست محیطی از لحاظ حقوقی، تحت حمایت هستند یا خیر؟ برخی از حقوق دانان خسارت به محیط زیست را صرف نظر از بازتاب های

^۲ کلمه جرم در اسلام به معنی عصیان و گناه است

آن قابل مطالبه دانسته‌اند (۹). به نظر می‌رسد که بتوان این نظر را با دو استدلال تأیید نمود؛ نخست آنکه بسیاری از خسارت‌های وارده به محیط پیرامونی برای ما شناخته شده و قابل درک نیستند و چه بسا رفتاری که برای انسان بی خطر فرض می‌شود پایه های خسارت زیست محیطی دیرپایی باشد که در آینده نمایان می‌شود به این ترتیب هر خسارتی بر محیط زیست - هر چند که در نگاه اول بی خطر باشد - ممکن است در آینده خسارت ها و آثار مخربی را به دنبال داشته باشد و دوم آنکه از آنجایی که هر حقی با تکلیف ملازمه پیدا می‌کند، حق استفاده و بهره برداری از محیط زیست برای انسان تکلیف توأمان حفظ آن را نیز ایجاد می‌کند. به تعبیر دیگر، انسان در مقابل استفاده‌ای که از محیط زیست می‌برد، ملزم به رعایت حداقل حقوق آن یعنی محافظت و نگهداری محیط زیست به همان حالت طبیعی است و در صورت رعایت نکردن این توازن باید در مقام جبران خسارت، خواستار بازگرداندن شرایط طبیعی پیش از آلوده شدن شد. پس هر چند که انسانی از این خسارت ایجاد شده آسیب ندیده است (گرچه می‌توان گفت هر اثر ناسودمندی بر زندگی انسان مؤثر است خواه به شکل مستقیم یا غیر مستقیم) اما حق خود محیط زیست چنین ایجابی را بر عهده انسان قرار می‌دهد (۹).

البته کاملاً روشن است که روش های جبران خسارت مذکور همگی در باره محیط زیست و صدمات وارد بر آن مصداق ندارد. به عنوان مثال اعاده به وضعیت سابق در پاره ای از موارد (مثلاً یک گونه گیاهی یا جانوری که منقرض گردیده است و یا اکوسیستمی که کاملاً تخریب شده است) ، غیر ممکن می‌گردد. همچنین در مورد روش اقدامات متقابل که مغایر با اهداف حقوق محیط زیست در راستای دستیابی به توسعه پایدار است، حتی جلب رضایت زیان دیده نیز در این خصوص بی معنی به نظر می‌رسد. زیرا، هدف از قانونگذار از وضع این روش جبران خسارت معنوی است که عموماً به نظر نمی‌رسد بتوان صدمات و لطمات وارد بر محیط زیست را در زمره زیانهای معنوی دانست، پس صرفاً می‌توان از تعداد معدودی از روشهای جبران خسارت، نظیر پرداخت غرامت و قطع و عدم تکرار عمل متخلفانه بهره جست که در این بین نقش پرداخت غرامت منطقی تر به نظر می‌رسد (۹).

۴-۱-۲- انواع خسارت

در این بند و ذیل چند عنوان، انواع خسارت قابل جبران در زمینه محیط زیست بررسی می‌گردد.

الف- خسارت مادی

منظور از خسارت‌های مادی، خسارت‌هایی است که به لحاظ مادی بر محیط زیست وارد می‌گردد. در این زمینه می‌توان به مواردی نظیر از بین رفتن محصولات کشاورزی در نتیجه کارکردها و خدمات یک تالاب و ورود پساب های صنعتی یک کارخانه اشاره نمود. لازم به ذکر است که این خسارت ها باعث زیان مادی محیط زیستی می‌گردد که البته با پول و پرداخت غرامت قابل جبران است.

ب- خسارت معنوی

منظور از خسارت‌های معنوی زیست محیطی، خسارت‌هایی است که به بدن و جسم انسان وارد می‌شود. مثلاً در نتیجه وجود یک آلاینده زیست‌محیطی، امراضی در بدن انسان، جانوران و گیاهان به وجود آید.

ب-۱ - خسارت معنوی زیست محیطی بر انسان

همانطور که می‌دانیم، مهم‌ترین عامل در جهت حفظ حیات انسانی، محیط زیست سالم است. بدین ترتیب، می‌توان ادعا نمود که با آلوده شدن محیط زیست سالم از طریق آلاینده‌های گازی، خطرات مستقیم و غیر مستقیمی، سلامتی انسان را تهدید می‌نماید. به عبارت دقیق‌تر، وجود برخی آلاینده‌های اولیه و ثانویه هوا مثل گازهای دی‌اکسید کربن، ازن، ذرات معلق و... می‌تواند منجر به بروز بیماری‌های مختلفی از جمله بیماری‌های قلبی و ریوی گردد (۹ و ۱۱).

ب-۲ - خسارت معنوی زیست محیطی بر گیاهان

وجود باران‌های اسیدی ناشی از آلودگی گازی، می‌تواند به طور جدی، پوشش گیاهی را نیز در معرض نابودی قرار دهد. به عنوان مثال گاز ازن باعث از بین رفتن گیاهان و باران‌های اسیدی باعث افزایش حساسیت گیاهان به بیماری‌ها می‌شود. همچنین آمارها در این زمینه نشان می‌دهد، در ایالت تنسی آمریکا، سطح جنگل‌ها به علت مجاورت با کارخانه‌ها و آلاینده‌های گازی تا میزان ۲۰ هکتار کاهش یافته است (۷).

ب-۳ - خسارت معنوی زیست محیطی بر حیوانات

حیوانات نیز چه به طور مستقیم مانند استنشاق محصولات حاوی آلاینده‌های گازی و چه به طور غیرمستقیم، یعنی جذب گیاهانی که آغشته به مواد آلاینده‌های گازی است، می‌تواند مورد صدمه ناشی از این قسم از آلودگی قرار گیرند. حتی در این میان، برخی بیماری‌ها برای حیوانات نیز مانند سوء هاضمه و لاغری مفرط و فساد دندان‌ها نیز می‌تواند از این طریق برای آن‌ها اتفاق افتد (۷).

ج - عدم‌النفع

عدم‌النفع عبارت از ممانعت از وجود پیدا کردن منفعتی است که برای مقتضای آن حاصل شده است. عدم‌النفع گاهی ضرر محسوب می‌شود. در این صورت عبارت است از بی‌نصیب شدن از نفعی که به احتمال قریب به یقین حسب جریان عادی امور و اوضاع و احوال، امید وصول به آن نفع، معقول بوده باشد (۷).

در این رابطه و به عنوان مثال، می‌توان گفت، بارش باران‌های اسیدی بر مزارع کشاورزان در نتیجه وجود آلاینده‌های صنعتی، قابلیت کشت و زرع زمین مورد نظر را برای چند سال ممکن است از بین برده که در این حالت، می‌توان به صراحت از معیار عدم‌النفع محیط زیستی نام برد.

۴-۲- اقدام زیان بار

۴-۲-۱- مصادیق اعمال زیان بار محیط زیستی

در این بند و ذیل چند عنوان، مصادیق اعمال زیانبار محیط زیستی تبیین می‌گردد.

الف- اعمال زیانبار در راستای آلودگی هوا

وجود ذرات کوچک شیمیایی یا عناصر بیولوژیک که باعث تغییرات در وضعیت اتمسفر می‌شود، آلودگی هوا نامیده می‌شود. آلاینده‌ها را می‌توان به عنوان اولیه یا ثانویه تقسیم‌بندی کرد. آلاینده‌های اولیه عناصری هستند که به طور مستقیم از یک فرآیند منتشر می‌شوند. برای مثال خاکستر که از یک آتشفشان و یا گاز منوکسیدکربن که از اگزوز ماشین خارج می‌شود و آلاینده‌های ثانویه (مثل گاز ازن) به صورت مستقیم متصاعد نمی‌شوند بلکه آنها وقتی شکل می‌گیرند که آلاینده‌های اولیه فعل و انفعالاتی انجام می‌دهند. در این رابطه و به عنوان برخی آلاینده‌های هوایی می‌توان به مواردی نظیر اکسیدهای نیتروژن بخصوص دی‌اکسید نیتروژن که از سوخت و سوزهای با درجه حرارت بالا متصاعد می‌شود که آن را می‌توان به صورت غباری قهوه‌ای رنگ بر بالای آسمان شهرها مشاهده کرد، دی‌اکسید کربن، آمونیاک متصاعد شده از فرآیندهای کشاورزی، بوهای متصاعد شده از زباله، فاضلاب و فرآیندهای صنعتی، منابع متمرکز مانند خروجی دودکش‌های نیروگاه‌ها، کارخانجات، مراکز سوزاندن زباله‌های شهری، منابع متحرک مانند اتومبیل‌ها، هواپیما و غیره، ذرات به وجود آمده به دلیل سوختن کنترل شده کشاورزی و جنگلی، اتومبیل‌هایی که باعث متصاعد شدن مواد آلاینده می‌شود، دفن زباله در گودال‌های زمینی که باعث تولید گاز متان می‌شود، اشاره نمود (۷).

ب- اعمال زیانبار در راستای آلودگی خاک

هرگونه تغییر در ویژگی اجزای تشکیل دهنده خاک به طوری که استفاده از خاک ناممکن شود، آلودگی خاک نامیده می‌شود. آلودگی خاک باعث از بین رفتن پوشش گیاهی و کاهش رشد و نمو گیاهان و در نهایت منجر به فرسایش خاک و بیابان‌زایی می‌شود. در حال حاضر در کشور ایران، برای جلوگیری از آلودگی خاک عامل بازدارنده‌ای با عنوان «قانون خاک» وجود دارد که موجب شده تا حد زیادی از افزایش آلودگی‌های خاک جلوگیری شود (۷).

در این رابطه و به عنوان برخی اقدامات زیان بار در جهت آلودگی خاک، می‌توان به مواردی نظیر تغییر و تخریب ساختار خاک در اثر فعالیت‌های معدن کاوی (آلودگی صنعتی)، مصرف سوخت‌های فسیلی (آلودگی‌های نفتی) و کودها و سموم کشاورزی اشاره نمود.

پ- اعمال زیانبار در راستای آلودگی آب

آلودگی آب یکی از مشکلات و چالش‌های مهم دنیا و ایران است. یکی از علل اصلی بیماری‌ها و مرگ‌ومیر در جهان آلودگی آب است. آب‌های سطحی و زیرزمینی هر دو در معرض آلاینده‌های مختلف قرار دارند. در صورتی که آب دارای طعم و بوی نامطلوبی باشد، نشان‌دهنده وجود مواد آلاینده در آب است. با توجه به ماهیت، منشأ ورود آلاینده‌ها، طبیعی و یا انسانی، تقسیم‌بندی‌های مختلفی برای آلاینده‌ها در نظر گرفته شده است. آلاینده‌های آب از نظر ماهیت به سه گروه مواد آلی، موادمعدنی و عوامل فیزیکی تقسیم می‌شوند. عمده آلاینده‌های آلی آب عبارتند از مواد شوینده، پساب صنایع غذایی، حشره‌کش‌ها و علف‌کش‌ها، مواد نفتی، شاخ و برگ گیاهان و درختان و مواد آلی فرار. آلاینده‌های معدنی اصلی آب شامل اسیدپتته ناشی از پساب صنایع، آمونیاک، کودهای شیمیایی، فلزات سنگین و نمک می‌باشند. آلاینده‌های معدنی موجب کدورت آب شده و در برخی موارد نیز به صورت ذرات معلق در آب قابل مشاهده هستند. تغییرات ناگهانی اسیدپتته و دمای منابع آب تحت تأثیر فعالیت‌های انسانی نیز به عنوان آلودگی منابع آب از نوع فیزیکی در نظر گرفته می‌شود. شایان ذکر است که در این زمینه و به عنوان نمونه، برخی موارد نظیر استفاده بیش از حد از منابع و معادن آبی، حمل و نقل کشتی‌های نفت‌کش و ورود مواد نفتی در نتیجه این امر، می‌تواند در زمره مهم‌ترین اقدامات زیانبار در راستای آلودگی آب تلقی گردد (۱۲).

۳-۴-۳-۴ رابطه سببیت

در ذیل مفهوم و انواع رابطه سببیت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۳-۴-۱-۳-۴ مفهوم

جز در موارد استثنایی غصب و شبه‌غصب، که برای مسئولیت مدنی نیازی به احراز رابطه سببیت بین فعل زیانبار و ضرر ایجادشده وجود ندارد، در موارد دیگر برای مطالبه جبران خسارت باید وجود این رابطه ثابت شود. منظور از رابطه سببیت در مسئولیت مدنی بیان رابطه‌ای است که بین فعل، عامل زیان و زیان برقرار است؛ به شکلی که اگر آن عمل نبود، زیان نیز اتفاق نمی‌افتاد. در مواردی که عوامل متعددی در ورود زیان دخالت داشته‌اند، باید عوامل اصلی را شناخت و همان را به عنوان سبب یا علت معرفی کرد و همیشه نمی‌توان عنصر تقصیر را عامل زیان و مسئول دانست؛ زیرا در جایی که مسئولیت بر تقصیر مبتنی نیست، فقط باید رابطه سببیت بین فعل خوانده و ورود ضرر ثابت شود؛ ولی اگر عنصر تقصیر را دخالت دهیم، باید هم تقصیر و هم رابطه سببیت بین فعل خوانده و ورود ضرر اثبات شود (۱۳).

در بسیاری از موارد، وجود تقصیر نیز مشکلی را حل نمی‌کند. برای نمونه، اگر شورای عالی صید و شکار که تحت نظر سازمان محیط زیست انجام فعالیت می‌کند، در ارائه مجوز صید و شکار به شخصی، دچار اهمال شده و بدون وجود شرایط لازم برای اعطای مجوز، به فردی، چنین مجوزی اعطا نماید و به دنبال آن، دارنده مجوز با انجام شکار غیرقانونی، موجب خسارت بر گونه‌های حیوانی زیستی گردد، تقصیر نهاد مذکور به هیچ عنوان نمی‌تواند مانع مسئولیت شکارچی غیرقانونی گردد (۱۴).

البته باید گفت هدف اصلی در مسئولیت‌های مدنی، جبران زیان است، نه مجازات شخص مقصر. بنابراین، اگر تقصیر شخصی اثبات شود، اما زبانی از طرف مقصر به دیگران وارد نیاید، هیچ‌گونه مسئولیتی متوجه او نمی‌شود. اگرچه از نظر اخلاقی مورد نکوهش و ملامت قرار می‌گیرد. این در حالی است که در مسئولیت کیفری نفس تقصیر مورد مجازات قرار می‌گیرد و چه‌بسا در بسیاری از موارد، تخلف شخص، نتیجهٔ زیانباری برای دیگران نداشته باشد؛ اما صرف ارتکاب تقصیر، مسئولیتی را که قانون‌گذار پیش‌بینی کرده است، به دنبال خواهد داشت. مانند ماده ۱۱ آیین نامه صید و شکار که برای افرادی که عامدانه برای شخصی، مجوز صید و شکار بدون وجود مدارک و شرایط لازم صادر می‌نمایند، ضمانت‌اجرای کیفری جزای نقدی و انفصال از خدمت پیش‌بینی نموده است.

بدین ترتیب، اصل سببیت باید به اثبات برسد؛ یعنی هرگاه در سبب‌بودن فعل شخصی تردید باشد، اصل عدم آن است. بنابراین، به یاری اصل عدم می‌توان مسئولیت را منتفی دانست، هرچند فرد مرتکب تقصیر شده باشد و به خواهان نیز خسارت وارد شده باشد؛ نه صرف تقصیر برای مقصر ایجاد مسئولیت مدنی می‌کند و نه مطلق ضرر بدون اثبات عامل آن برای زیان‌دیده حق مطالبه ایجاد می‌کند. ولی دشواری اصلی در احراز رابطهٔ سببیت جایی است که علم اجمالی به ایجاد ضرر توسط یکی از چند سبب داریم؛ بدون اینکه بتوان آن سبب را از بین اسباب مزبور دقیقاً مشخص کرد (۱۵).

۴-۳-۲- شیوه تعیین سبب مسئول در صور اجتماع اسباب

در این قسمت شیوه تعیین سبب مسئول در صور اجتماع اسباب بررسی می‌گردد.

الف- تعیین سبب در اجتماع اسباب به نحو طولی و عرضی

با توجه به حالات مختلف اجتماع اسباب، شیوه تعیین سبب در هر یک از حالات ذیل، متفاوت است:

در حالت اجتماع اسباب به نحو عرضی تشخیص اسباب مسئول امر مشکلی نیست، زیرا حادثه قابل انتساب به همه آنان می‌باشد و رابطه سببیت میان فعل و نتیجه برقرار است. به همین دلیل فقها و حقوق دانان اجتماع اسباب به نحو عرضی را اشتراک در جنایت می‌دانند (۱۵)، و همهٔ کسانی را که در وقوع جنایت نقش داشته‌اند را ضامن می‌دانند و تنها بحث در میزان مسئولیت آن‌ها است که در جای خود بحث می‌گردد. اما در فرض اجتماع طولی باید گفت که این حالت از مشکل‌ترین و بحث‌برانگیزترین حالت اجتماع اسباب است که در مورد آن بین حقوق‌دانان و فقها اختلاف نظر وجود دارد.

ب- تعیین سبب در اجتماع عامل انسانی و عوامل طبیعی

هرگاه که نتیجه در اثر دخالت عامل انسانی با عوامل قهری و طبیعی به شکل طولی یا عرضی بوجود آمده باشد؛ این حادثه به عامل انسانی منتصب می‌شود و تأثیر عامل طبیعی در نظر گرفته نمی‌شود (۱۴).

پ- رویکرد آموزه‌های مسئولیت مدنی به مسئولیت دولت

در این قسمت رویکرد آموزه‌های مسئولیت مدنی محیط زیست به اجتماع اسباب بررسی می‌گردد.

پ-۱- نظریه برابری اسباب

طبق این نظریه همه عوامل و پدیده‌هایی که در ایجاد خسارت دخالت داشته‌اند برابری به عبارت دیگر هر عملی را که بدون آن خسارت پدید نمی‌آید می‌توان سبب خسارت نامید و در این صورت زیان دیده می‌تواند جبران همه خسارت را از هر یک از کسانی که در ایراد آن دخالت داشته‌اند مطالبه کند و آنان در برابر زیان دیده مسئولیت تضامنی دارند(۱۶).

این نظریه را یک استاد حقوق آلمان به نام فن بوری در فاصله میان سالهای ۱۸۶۰ و ۱۸۸۵ ارائه نموده است. طبق این نظر تمام اسباب که در ایجاد ضرر نقش داشته‌اند، برابری زیرا هیچ یک به تنهایی قادر به ایجاد حادثه نبوده‌اند. همه اسباب، در حادثه سهیم بوده و ترجیح یکی بر دیگری ترجیح بلا مرجع است(۱۶).

پ-۲- نظریه سبب نزدیک یا آخرین سبب

بنابراین نظریه در میان عواملی که در ایراد ضرر دخالت داشته‌اند تنها نزدیکترین عامل به پدیده خسارت از لحاظ زمان باید در نظر گرفته شود. خسارت را باید به نزدیک ترین سبب نسبت داد. در اینجا قاضی آخرین سبب را از بین یک سری اسباب پیچیده و نامحدود برمی‌گزیند. منظور از سبب نزدیک نباید سبب نزدیک از نظر زمانی باشد بلکه منظور تأثیر آن در نتیجه و تحقق ضرر است (۵). سبب نزدیک را باید به معنای آن چنان اسبابی به کار برد که عرفاً می‌توان تحقق ضرر را به آنها نسبت داد و بدین وسیله اسبابی را که عرف هیچ رابطه‌ای بین آنها و تحقق ضرر احراز نمی‌کند، کنار نهاد.

قانون مدنی نیز در ماده ۳۳۲، با اینکه مباشر تلف نزدیک ترین سبب آن است موردی که سبب دورتر، قوی تر باشد، عامل ایجاد آن را مسئول می‌شمرد و داوری آن را به عرف و آداب می‌گذارد(۱۴). به عنوان نمونه در فرضی که عده‌ای از ساکنین یک منطقه کشاورزی، از طریق عملیات غیراستاندارد کشاورزی، زمینه تخریب غنای خاک آن منطقه را فراهم آوردند و بعد از شخصی دیگر اقدام به حفاری غیرمجاز در آن منطقه نمودند و از این طریق به خاک آن منطقه خسارت وارد آورد، حسب آموزه‌های حقوق مدنی به ویچه ماده فوق‌الاشعار، باید ساکنین آن منطقه را مسئول دانست نه شخص حفار غیرمجاز را. همچنین، در صورتی که در ساخت تأسیسات صنعتی، مهندس طراح اشتباهی کرده باشد و بهره بردار در زمان استفاده از تأسیسات و مراقبت از آن کوتاهی نموده باشد و منجر به ورود خسارت گردد، به نظر می‌رسد از نظر عرف (کارشناس صالح) عدم مراقبت لازم سبب نزدیک تر محسوب می‌شود. چرا که در صورت مراقبت صحیح قبل از بروز خسارت، نقص در زمان طراحی معلوم و به موقع رفع عیب می‌گردید.

پ-۳- نظریه سبب مناسب (متعارف)

در این نظریه زیان باید به عاملی نسبت داده شود که معمولاً و بر حسب جریان عادی امور موجب پیدایش آن است و پدیده های دیگری که اتفاقاً و در نتیجه اوضاع و احوال غیرعادی ممکن است موجب زیان باشند نباید سبب تلقی شوند (۱۶). به بیان دیگر مقصر تنها مسئول حوادثی است که در نظر عرف قابل پیش بینی و محتمل باشد. ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی در فصل موجبات ضمان به سبب متعارف اشاره دارد که مقرر داشته: هر گاه شخصی در ملک خود یا مکان مجاز دیگری، آتشی روشن کند مثل سوزاندن مزارع برای از بین بردن بذر علف های هرز و یا سوزاندن زباله و لاستیک و... که در این صورت ضامن است. حسن این نظریه این است که اسباب را از شرایط جدا نموده است. بنابراین، تمامی شرایط و حوادثی که به ایراد ضرر منتهی می شوند در زمره اسباب محسوب نمی شود، بلکه آن حادثه ای سبب می باشد که به طور متعارف منجر به ورود ضرر شود. با این وجود عوامل ایجاد کننده ضرر گاه چنان پیچیده و مبهم است که تمیز سبب متعارف و اصلی از سایر شرایط اتفاقی باز شناخته نمی شود و همین امر سبب می شود که دادگاه ها نتوانند روش ثابتی در برابر حوادث مشابهه در پیش بگیرند (۱۴).

در خصوص موضوع تأسیسات صنعتی علیرغم اینکه وجود این گونه تأسیسات در برخی موارد می تواند ذاتاً خطرناک باشد اما اگر خسارت ناشی از بی احتیاطی یا عمد اشخاص دیگر از جمله تقصیر زیان دیده باشد، در این صورت رابطه سببیت ناشی از مالکیت در بروز خسارت را نمی توان سبب مناسب و متعارف تلقی کرد. بلکه رابطه بین فعل ناروا ناشی از بی احتیاطی و یا عمد شخص را عرف، سبب ورود خسارت می داند.

پ-۴- نظریه سبب مقدم در تأثیر

طبق این نظریه در صورتی که اسباب ورود خسارت در یک زمان نبوده و تعداد اسباب به نحو طولی باشد، ضمان بر عهده سببی است که زودتر از همه تأثیر کرده و مقدم بر دیگری بوده است. این نظریه در فقه مطرح شده و از آنجا به قانون مجازات اسلامی ایران راه یافته است. ماده ۵۳۵ قانون مجازات اسلامی جدید مقرر می دارند: هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است، مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می شود.

۵- جایگاه دولت و شخص حقوقی به عنوان مسئول خسارت

آموزه ها و دکترین داخلی در حقوق ایران، چنین اصلی را ایجاد کرده است که اعمال ارتكابی توسط ارگان ها یا نمایندگان یک دولت که ناقض یک تعهد بین المللی باشد، ممکن است به آن دولت منتسب گردد. موقعیت یک ارگان دولتی که در حیطه تشکیلاتی یک حکومت عمل می کند، میزان مسؤولیت دولتی را که عمل و رفتار از او سر زده است، تغییر نمی دهد. به عنوان مثال، دولت ها ممکن است مسؤول فعل یا ترک

فعل‌های انجام‌شده توسط نهادهای قانونگذاری یا دادگاه‌هایشان باشند. حتی اعمال خارج از حدود اختیارات، مادام که یک ارگان دولتی با قدرت عمل می‌کند، ممکن است به دولت مذکور منتسب شود (۱۵).

شناسایی مالک به عنوان شخصی که مسئولیت ناشی از مال بر وی تحمیل خواهد شد دارای اهمیت است. ممکن است تشخیص و تعیین مالک به نظر امری ساده باشد اما همیشه این چنین نیست. ماده ۳۳۳ قانون مدنی مالک بنا را به عنوان شخصی که مسئول جبران خسارات ناشی از ویرانی بنا است معرفی کرده است. این ماده "واژه صاحب" را مترادف مالک به کار برده است. همچنین در این قانون با توجه به سابقه فقهی و همینطور مواد قانون مدنی فرانسه که مورد اقتباس مولفین قانون مدنی بوده است، مقررات خاصی در مورد شناسایی مالک دیوار که شاید بتواند مترادف دولت و یا شهرداری نیز باشد دیده می‌شود. ماده ۶۵۳ قانون مدنی ایران در جلد اول، قواعد و مقررات مربوط به اموال و مالکیت را بیان نموده که به کمک این مقررات می‌توان مالک را شناسایی نمود. مالک در معنای اعم به دارنده تسلط و استیلا بر شیء اطلاق می‌شود و در معنای اخص، مالک به شخصی اطلاق می‌شود که مستقلاً بر شیء تسلط و استیلاء حقوقی دارد و می‌تواند هر تصرفی در ملک خود بکند (۱۷).

بر اساس نظریه تقصیر الزام دولت نسبت به جبران خسارات وارده به اشخاص که از اقدامات و تصمیمات مقامات عمومی حاصل می‌شود ناشی از تقصیری است که در انجام وظایف یا اعمال اختیارات مرتکب شده‌اند. مطابق این نظریه، دولت وقتی مسئول است که در انجام اعمال خود مرتکب تقصیر شده باشد. از نقطه نظر ارتکاب اعمال زیانبار، تفاوتی میان اشخاص حقوق خصوصی و مراجع دولتی وجود ندارد. تنها دلیلی که می‌تواند مسئولیت شخصی از جمله اشخاص حقوق عمومی را نسبت به جبران خسارتی توجیه کند، وجود رابطه علیت بین تقصیر و ضرر وارده است (۱۳). در اصل خصوصیت ویژه‌ای برای دولت، نسبت به اشخاص حقوق خصوصی نباید قائل شد، یعنی در مواردی که تقصیر دولت عامل ورود زیان باشد هم اوست که باید نسبت به آن ملزم دانسته شود. در نتیجه در نظریه تقصیر زیان دیده، با اثبات تقصیر دولت و اثبات رابطه سبب میان این تقصیر و زیان وارده به او قادر به دریافت غرامت خواهد بود (۱۸ و ۱۹).

برخی از حقوق دانان ایرانی با توجه به دیدگاه اساتید فرانسوی معتقدند اگر عمل زیانبار، ناشی از تقصیر شخصی، فرد یا افراد معین و مشخص از مأمورین دولت باشد و یا به عبارت دیگر عمل مزبور بصورتی باشد که در آن شخص انسانی با ضعف‌ها و هوس‌ها و اغراض و غفلت‌هایش نمایان باشد مسئولیت متوجه عاملین آن است. درحالی‌که، ولی اگر عمل موجب خسارت، ناشی از بدی سازمان و سوء جریان اداره دولتی و به قسمی باشد که بانی و باعث و عامل آن، معلوم و مشخص نباشد مسئولیت آن متوجه دولت خواهد بود. البته رویه دادگاه‌های ایران بر این است که معمولاً خطا یا تقصیر شخصی کارمند و مسئول شرکت دولتی را بعنوان ضابطه جبران خسارت می‌دانند. بالاخص در مواردی که مسئولیت عامل زیان‌های وارده بر اساس قانون مجازات اسلامی باید تعیین گردد. خطای شخصی کارمندان دولت که منتهی به مسئولیت شخصی آنان می‌گردد ممکن است خطایی باشد که یک تقصیر غیرحرفه‌ای باشد یعنی ارتباطی با موضوع و هدف شغلی کارمند نداشته باشد و یا اینکه یک خطای حرفه‌ای عمدی و یا سنگین و مشابه عمد باشد (۲۰).

در حقوق ایران همانند همه نظامهای حقوقی، خروج از صلاحیت توسط کارمند دولت از مصادیق برجسته تقصیر شخصی مقام و مستخدم دولتی می باشد. مثلاً فرض کنید کارشناس محیط زیست با انگیزه ارائه یک خدمت عمومی و یا کمک رسانی و امدادونجات فرد یا حیوانی مرتکب اقداماتی شود که منجر به ورود صدمه به شخص دیگری شود. در اینجا به جهت اینکه عمل کارشناس دولت خارج از صلاحیت و وظایف او بوده، تقصیر محسوب می شود، هر چند قصد خدمت داشته است، لذا تنها مسئولیت مدنی شخص وی مطرح است.

در ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی نیز آمده است که کارمندان دولت که در نتیجه بی احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند. شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می باشند. مراجع عمومی، مسئول جبران خساراتی نمی باشد که از طرف کارکنان آنان در غیر از زمان انجام وظیفه، وارد شده است (۱۶).

امروزه در بیشتر کشورها مسئولیت فردی و نحوه جبران خسارت شخصی، رفته رفته جای خود را به یک نوع جبران خسارت جمعی داده است و برای تحقق این هدف، سیستم های جبران خسارت شبیه آنچه در قانون تأمین اجتماعی و بیمه دیده می شود به وجود آمده و دولت ها در جبران خسارات ناشی از حوادث رانندگی، فعالیتهای اتمی و یا فعالیتهای خطرناک و صدمات محیط زیستی مانند انتشار گازهای گلخانه ای و آلودگی های نفتی و... مشارکت می کنند. در عصر شکوفایی صنعت و تکنولوژی، هیچ گونه ضرورتی در انحصاری دانستن مبنای خاصی وجود ندارد. هر چند در حقوق ایران جز در مواردی که به طور صریح مشمول مسئولیت های مطلق قرار گرفته اند در دیگر موارد، مسئولیت بر اساس تقصیر می باشد زیرا مسئولیت بدون تقصیر خلاف قاعده و اخلاق اسلامی است.

۶- مصداق بارز از آراء محاکم

سازمانهای غیردولتی زیست محیطی تنهادر یک مورد علیه تخریب کنندگان محیط زیست بصورت جمعی و متشکل از ده ها تشکل در اواخر سال ۱۳۸۴ اقدام به شکایت علیه عاملان تخریب جنگلهای لویزان (باتوجه به بندچ ماده چهاروماده شانزده آیین نامه اجرایی تاسیس و فعالیت سازمانهای غیردولتی مصوب هشتم مردادسال ۱۳۸۴) نمودند. متأسفانه به دلایل متعددی از جمله عدم توانایی مهارآلودگیهای زیست محیطی بود که بعضاً تولیدکننده ی اصلی آن ها ارگان های دولتی ویا سازمان های وابسته به دولت بودند و حذف یا مهار آلاینده ها مستلزم صرف بودجه های سنگین برای دولت وسازمانهای دولتی بود و لذا شکایات بی نتیجه ماندند (براساس گفتگو با وکیل پرونده جناب سیدمحمدزمان درباباری).

۷- بحث و نتیجه گیری

همچنان که در تعاریف محیط زیست اشاره شد محیط زیست را محیطی مرتبط با حیات و زندگی انسان می دانند و این خود نشانه اهمیت آنست. چرا که هر آنچه زندگی بشر را تحت تأثیر قرار دهد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با توجه به اهمیت این مفهوم کشورها درصدد حمایت از آن برآمدند اما هرکشور به برخی از عناصر مشخص زیست محیطی توجه کرده است. به عبارتی، هر کشوری با توجه به محیط جغرافیائی و انسانی خود، جنبه هایی را که بیشتر با آن در تماس بوده مد نظر قرار داده. مثلاً به طور طبیعی کشوری که اطراف آن را

بیشتر آب فراگرفته بیشتر در زمینه حمایت از آبها و مسائل مربوط به صید فعالیت می کند یا کشوری که در آن جنگلهای فراوان وجود دارد بیشتر به بحث شکار و جنگلهای و مراتع پرداخته است. کشور ما ایران با توجه به گستردگی و پهناوری آن و بهره مند بودن از تنوع طبیعی و وضعیت نامناسب و بحرانی آلودگی های خاک، هوا، آب و... باید در این زمینه بسیار فعالانه عمل نماید.

با استقرای در رویه قضایی کشورهای مختلف و پیش‌بینی‌هایی که در اسناد بین‌المللی در حیطه جبران خسارت در این زمینه به دست می‌آید، چنین به نظر می‌رسد که جبران زیان نقدی، تعهد به عدم انتشار آلودگی، اعاده به وضع سابق و از بین بردن منبع ضرر، در زمره مهم‌ترین شیوه‌های جبران خسارت ضررهای وارده ناشی از آلودگی‌های گازی بوده که در این میان، از بین بردن منبع ضرر و اعاده به وضع پیشین از سایر موارد جبران خسارت، بذل توجه بیشتری را به خود اختصاص داده است. در خصوص جبران خسارت مادی نیز باید گفت؛ باید به این موضوع توجه نمود که در خصوص ارزیابی خسارات زیست محیطی ناشی از آلودگی‌های نفتی، دو نظر وجود دارد، گروه نخست (اکولوژیست‌ها) معتقدند که خسارت‌های زیست محیطی قابلیت ارزیابی را ندارند. این گروه معتقدند که عناصر زیست محیطی دارای ارزشی ذاتی هستند که قابلیت ارزش گذاری مادی را ندارند، چرا که تمامی عناصر یک پیکره زیست محیطی بر یکدیگر تاثیر می گذارند و یک بخش از آن را نمی توان مستقل از دیگری ارزیابی کرد، به باور این گروه خسارت به یک بخش از محیط زیست، خسارتی است که بر همه ارکان وجودی آن تاثیرگذار است، حال آنکه توانایی درک این خسارت ها در یک برهه ی زمانی و مکانی برای ما غیر ممکن است. استدلال حقوقی قائل به این اندیشه این است که علاوه بر اینکه معیار درستی برای قیمت گذاری وجود ندارد، ارزیابی عناصر زیست محیطی در قالب ارزش گذاری مادی به معنای فروش جرم است و این خود مجوزی است برای دارندگان توانایی مالی تا در مقابل کسب سود، بخشی از محیط زیست را مورد معامله قرار دهند. در مقابل این گروه، موافقان ارزیابی خسارتهای زیست محیطی قرار دارند که معتقدند ارزشگذاری مواهب زیست محیطی و خسارات زیست محیطی به کمک علم اقتصاد محیط زیست ومحاسبه، هزینه های خارجی امکان پذیر می باشدو اگر محیط زیست ارزش گذاری نشود، نتیجه ای جز تخریب آن وجود نخواهد داشت. هر چند ارزشگذاری اقتصادی علمی «انسان محور» است ولی نظر این گروه مطابق با واقعیت های زندگی اجتماعی امروز است. باید خاطر نشان نمود که در بکارگیری تکنیکهای ارزشگذاری اقتصادی وتعیین کلیه ی کارکردها و مواهب زیست محیطی ومهارت بکارگیری تکنیک ارزشگذاری وبرآورد خسارت وهزینه هادر این مورد از اهمیت به سزایی برخوردار است (۲۱).

از آنجا که در برخی از جرائم زیست محیطی ارتکاب جرم به صورت غیر عمدی و عمدتا در اثر بی احتیاطی و بی مبالاتی رخ می دهد مقنن کیفر چنین جرمهایی را تنها حداقل جزای نقدی مقرر تعیین کرده و کیفر حبس را نیز درباره وی مقرر نمی نماید (۱۰). تحقیق حاضر نشان می دهد مباحث حقوقی در محیط زیست می تواند در خصوص آلودگی ها و بطور کلی تخریب ها و آسیب های وارده به محیط زیست بسیار پیشگیرانه باشد و لذا ابزار حقوقی می تواند از رخداد بسیاری از تعرض ها جلوگیری کند. در مجموع، از نظر مسئولیت ناشی از ارتکاب عمل زیان بار تفاوتی میان اشخاص حقوق خصوصی و مراجع دولتی وجود ندارد و تنها وجود رابطه علیت بین تقصیر دولت و ضرر وارده برای جبران خسارات وارده توسط دولت کافی است. در ایران نیاز به توجه بیشتری به مسئولیت مدنی دولت و نقش قائم مقام و ضابط دادگستری برای اقامه ی دعوی مسئولیت خسارات محیط زیستی و امکان سنجی جبران ضرر زیان ازسوی دولت به استناد قوانین وجود دارد.

۸- فهرست منابع

- ۱- شهیدی، م، ۱۳۷۷. تشکیل قراردادهای و تعهدات، جلد اول، نشر حقوقدان.
- ۲- مشهدی، ع، ۱۳۹۰. مسئولیت مدنی ناشی از آلودگی هوا، مجله معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی، شماره ۲۱.
- ۳- شیروی، ع، ۱۳۹۱. حقوق نفت و گاز، چاپ نخست، انتشارات میزان، تهران.
- ۴- جوزی، ع، جعفرپور، ج، شعاریان، ف، ۱۳۸۹. حقوق محیط زیست، انتشارات نشر علم کشاورزی ایران، تهران.
- ۵- رضانی قوام‌آبادی، م، ۱۳۹۳. حقوق محیط‌زیست، چاپ نخست، نشر میزان، تهران.
- ۶- یزدانیان، ع، ۱۳۷۹. قلمرو مسئولیت مدنی، جلد نخست، چاپ نخست، تهران، نشر آیلا.
- ۷- نریمان، م، ۱۳۸۹. جایگاه حقوق نفت و گاز در تبیین مسئولیت بین‌المللی ناشی از آلاینده‌های زیست محیطی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق تجارت بین‌الملل، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۸- میر عظیم، ق، ۱۳۸۲. حمایت کیفری از محیط زیست، چاپ اول، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران.
- ۹- سلطانی، ک، ۱۳۸۱. مجموعه مباحث و روشهای شهرسازی، محیط زیست، چاپ نخست، مرکز مطالعات و تحقیقات و شهر سازی و معماری ایران، تهران.
- ۱۰- قاسمی، ن، ۱۳۸۴. حقوق کیفری محیط زیست: (مطالعه تطبیقی در حقوق ملی و بین‌المللی)، تهران، جمال الحق.
- ۱۱- عبداللهی، م، ۱۳۹۳. حقوق محیط زیست، چاپ نخست، نشر میزان، تهران.
- ۱۲- افلاکی، ا، ۱۳۸۷. منابع طبیعی در آستانه بحران، مجله همشهری، سال ۱۵، شماره ۲۱۱.
- ۱۳- عبداللهی، م، مشهدی، ع، فریادی، م، ۱۳۹۱. حقوق حفاظت از هوا، چاپ نخست، نشر میزان.
- ۱۴- کاتوزیان، ن، ۱۳۹۲. مسئولیت مدنی، جلد نخست، چاپ هشتم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۵- موسوی، ف، ۱۳۹۱. رویه قضایی و محیط زیست محیط‌زیست، چاپ نخست، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۱۶- صفائی، س.ح.، رحیمی، ح، ۱۳۹۱. مسئولیت مدنی، چاپ سوم، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

۱۷- جعفری لنگرودی، م، ۱۳۶۸. حقوق اموال، تهران، انتشارات گنج دانش، چ اول.

۱۸- ابوالحمد، ع، ۱۳۷۵. مسئولیت مدنی دولت، تحولات حقوق خصوصی زیر نظر دکتر کاتوزیان، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۹- زرگوش، د، ۱۳۸۹. مسئولیت مدنی دولت، تهران، نشر میزان، چاپ اول، جلد اول و دوم.

۲۰- غمامی، م، ۱۳۷۶. مسئولیت دولت نسبت به اعمال کارکنان خود، چاپ اول، نشر دادگستر.

۲۱- کریم زادگان، ح، ۱۳۹۲. اقتصاد محیط زیست و ارزش گذاری مواهب طبیعی. چاپ اول. انتشارات دانشگاه آزاد واحد لاهیجان.

Abstract

The right to a clean and healthy environment is one of the fundamental rights of individuals and its maintenance is a public duty. Currently, among all protective measures, only legal sanctions are applied to modify human behavior causing damage to the environment. As a result, adopting a natural perspective towards the environment has become a necessity, especially civil liability law which acts as a fundamental pillar of sanction conduction. In this sense, the most important outcome of this research can be the choice of pure civil liability over civil liability based on fault. In particular, in the case of government-owned industrial facilities and government liability arising from the activities of these facilities, the law of government civil liability is not a fully codified law. However, the realization of causes in the government-assumed civil liability is dominant which, according to different scenarios, lead to multiple results. In addition, in terms of liability resulting from harmful acts, there is no difference between persons, whether natural or legal. Since the mere existence of causality between governments' fault and damages and losses is sufficient to justify compensation by the government, a fault can be established based on the existing laws.

Destroy, Civil liabilities, Committing a harmful act, Environment, Law

شرایط تحقق مسئولیت مدنی دولت ناشی از تخریب زیست‌بوم، از منظر آموزه‌های حقوق محیط زیست

نوع مقاله : سایر موارد

نویسندگان

مریم عاطفی¹، فاطمه طباطبائی یزدی²

¹ کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد مشهد

² عضو هیات علمی گروه محیط زیست، دانشکده منابع طبیعی و محیط زیست دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

چکیده
 حق استفاده از محیط زیست سالم، یکی از حقوق بنیادین افراد محسوب میشود و نگهداری از آن تکلیف عمومی است. با عنایت به اینکه امروزه در میان تمامی اقداماتی که در راستای حفاظت از محیط زیست انجام شده، تنها اعمال ضمانت‌اجراهای حقوقی در جهت تعدیل رفتارهای انسانی مستقیم و غیرمستقیم خسارت‌بار از جایگاهی حایز اهمیت برخوردار است، نگاهی از منظر جنبه‌های حقیقی به محیط زیست به ویژه حقوق مسئولیت مدنی به مثابه رکن رکن ضمانت اجراها، ضرورت و اهمیت خاصی به خود گرفته است. از این حیث می‌توان مهم‌ترین دستاورد این پژوهش را گزینش منطقی و حسابگرانه مسئولیت مدنی محض به جای مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر دانست. به ویژه آنکه در مورد تأسیسات صنعتی دولتی و مسئولیت‌های ناشی از عملکرد دولت بعنوان مالک اینگونه تأسیسات، باید گفت حقوق مسئولیت مدنی دولت، حقوق کاملاً مدنی نیست. با این حال، امکان تحقق اجتماع اسباب در فرض مسئولیت مدنی دولت امری غالب است که با توجه به حالت مختلف، نتایج متعددی به خود می‌گیرد. علاوه بر این، باید گفت که از نظر مسئولیت ناشی از ارتکاب عمل زیان بار، تفاوتی میان اشخاص حقوق خصوصی و مراجع دولتی وجود ندارد و با توجه به اینکه تنها وجود رابطه علیت بین تقصیر دولت و ضرر وارده برای جبران خسارات وارده توسط دولت کافی است، می‌توان با استناد بر قوانین موجود نیز قسور دولت را محرز دانست.

کلیدواژه‌ها

کلمات کلیدی: ارتکاب فعل زیان‌بار، تخریب، حقوق، محیط زیست، مسئولیت مدنی

موضوعات

حقوق محیط زیست



- ارجاع به این مقاله
- RIS
 - EndNote
 - Mendeley
 - BibTeX
 - APA